

شناخت امام زمان

مقدمه:

یکی از مهمترین مسائل در جامعه اسلامی، مسئله جانشینی پیامبر گرامی اسلام است. همانطور که می دانید جانشینی پیامبر با امامت آغاز شد. عدهای با این موضوع، یعنی نصب جانشین از سمت خداوند مشکل داشتند و با آن مخالفت و آن را انکار کردند؛ در نتیجه باعث ایجاد چند دستگی و تفرقه در جامعه مسلمین شدند.

اهمیت جایگاه امام:

با وجود اینکه پیامبر در طول ۲۳ سال رسالت خود، هر آنچه بر ایشان نازل می شد را به طور کامل ابلاغ و تفسیر می کردند؛ اما در یک مورد به خصوص، یعنی انتصاب امیرالمومنین به امامت، حضرت جبرئیل سه مرتبه بر پیامبر نازل شدند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده/۶۷)

از این آیه می توان به جایگاه والای امامت و همچنین اهمیت جانشینی امام معصوم پی برد. فخر رازی، از بسیاری از بزرگان اهل سنت نقل کرده است، که آیه اکمال دین، بعد از غدیر نازل شده است.

اهمیت معرفت و شناخت اهل بیت:

امیرالمومنین در روایتی می فرمایند: «خدا را از روی خدایی اش، پیامبر را از روی رسالتش و اولی الامر را از روی معروف، عدل و احسانش بشناسید.» پرسیدند شناختن خدا را از روی خدایی اش، به چه معناست: فرمودند: «یعنی خدا را از طریقی بشناسید که خدا برای معرفت نسبت به خودش قرار داده و آن راه ما هستیم.»

امام صادق می فرمایند: «بعد از معرفت نسبت به خداوند، مواردی چون نماز، روزه، حج و جهاد از اهمیت زیادی برخوردارند ... اول و آخر همه ی اینها، معرفت نسبت به اهل بیت است.»

نیاز به امام پس از پیامبر:

خداوند در آیه ۷ سوره آل عمران می فرماید: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»

از امام صادق پرسیدن راسخون در علم چه کسانی هستند. امام فرمودند: «منظور ما هستیم.»
در این باره مناظره‌هایی صورت گرفته است، که یکی از این موارد را به اختصار ذکر می‌کنیم.
امام صادق در جلسه‌ی مناظره‌ای که در مکه، بین شاگردانشان با دانشمندی شامی برقرار شد، به
دانشمند شامی فرمودند: «با این جوان، (اشاره به هشام بن حکم، شاگرد زبردست امام) گفتگو کن.»
دانشمند شامی (خطاب به هشام): ای جوان! درباره امامت این مرد (امام صادق) از من سؤال کن.
هشام به مرد شامی گفت: آیا پروردگارت خیر و سعادت بندگانش را بهتر و بیشتر می‌خواهد، یا بندگان
خیر خود را نسبت به خود؟

دانشمند شامی: البته که پروردگار، خیر بندگانش را بیشتر می‌خواهد.

هشام: خداوند برای خیر و سعادت انسان‌ها چه کرده است؟

دانشمند شامی: خداوند حجت خود را برای آن‌ها استوار نموده، و او بین بندگانش را در پرتو حجتش،
الفت و دوستی بخشید تا پراکنده نگردند و هم‌چنین خداوند بندگانش را به قانون الهی آگاه می‌کند.
هشام: آن حجت کیست؟

دانشمند شامی: او رسول خدا است.

هشام: بعد از رسول خدا کیست؟

دانشمند شامی: بعد از پیامبر، حجت خدا، «قرآن» و «سنت» است.

هشام: آیا قرآن و سنت، برای رفع اختلاف امروز ما سودمند است؟

دانشمند شامی: آری.

هشام: پس چرا بین من و تو اختلاف است و تو برای همین جهت از شام به این‌جا (مکه) آمده‌ای؟!

دانشمند شامی در برابر این سوال خاموش ماند، امام صادق به او فرمودند: «چرا سخن نمی‌گویی؟»

دانشمند شامی: اگر در پاسخ سوال هشام بگوییم: قرآن و سنت، اختلاف بین ما را رفع می‌کند، سخن
بیهوده‌ای گفته‌ام، زیرا عبارات قرآن و سنت، دارای معانی گوناگون است، و اگر بگوییم: اختلاف ما در فهم
قرآن و سنت، به عقیده‌ی ما لطمه نمی‌زند و هرکدام از ما ادعای حق می‌کنیم؛ در این صورت، قرآن و
سنت به ما سودی (در رفع اختلاف) نبخشد، ولی همین استدلال (مذکور) به نفع عقیده من است، نه به
نفع عقیده‌ی هشام.

امام صادق فرمودند: «از هشام همین مسئله را بپرس، که پاسخ قانع کننده را از او که وجودش سرشار از
علم و کمال است، می‌یابی.»

دانشمند شامی: آیا خداوند، شخصی را به سوی بشر فرستاده تا آن‌ها را متحد و هماهنگ کند؟ و

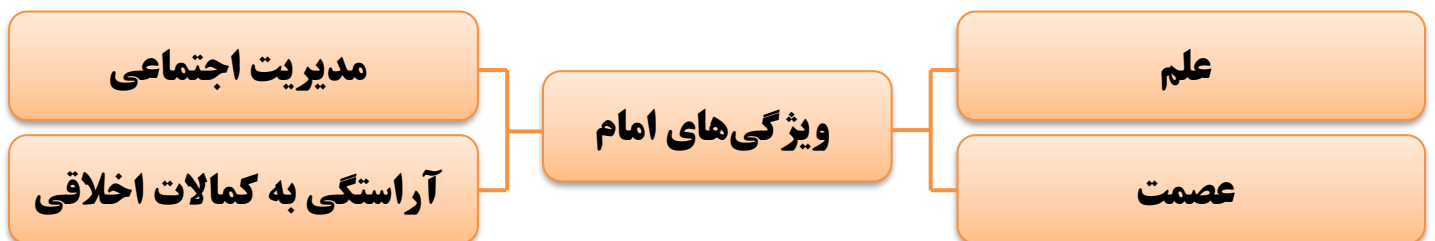
نابسامانی‌هایشان را سامان بخشد و حق و باطل را برایشان شرح دهد؟

هشام: در عصر رسول خدا یا امروز؟

دانشمند شامی: در عصر رسول خدا، که خود آن حضرت بود، ولی امروز، آن شخص کیست؟
 هشام: امروز همین شخصی که در مسند نشسته (اشاره به امام صادق) و از هر سو مردم به حضورش می‌آیند، (حجت و برطرف کننده‌ی اختلاف ما است، زیرا) میراث‌دار علم نبوت است که دست به دست از پدرانش به او رسیده است، اخبار زمین و آسمان را برای ما بازگو می‌سازد.
 دانشمند شامی: من چگونه بفهمم که این شخص، همان حجت حق است؟!
 هشام: هرچه خواهی از او بپرس، تا به حجت حق بودن او پی ببری.
 دانشمند شامی: ای هشام با این سخن، دیگر عذری برای من باقی نگذاشتی، بر من است که بپرسم و با سوال به حقیقت برسم.
 امام صادق فرمودند: «آیا می‌خواهی گزارش چگونگی سفر و مسیر راه سفر تو را، از شام به این‌جا، به تو خبر دهم؟ که چنین و چنان بود.»
 دانشمند شامی با شادمانی گفت: راست گفתי، اکنون به خدا، اسلام آوردم.
 امام صادق فرمودند: «بلکه اکنون به خدا ایمان آوردی، و اسلام، قبل از ایمان است، به وسیله اسلام از یکدیگر ارث می‌برند و ازدواج کنند، ولی ثواب بردن در پرتو ایمان است، (تو قبلاً مسلمان بودی، ولی امامت مرا قبول نداشتی، و اکنون با پذیرش امامت من، به ثواب اعمال می‌رسی)»

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي؛ أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»

ویژگی‌های امام:



• علم:

علم امام به علم الهی متصل است؛ یعنی امام می‌تواند به هر سوالی پاسخ دهد.
 در طول تاریخ، افراد زیادی به واسطه‌ی علم ائمه و گرفتن پاسخ سوال‌هایشان، ائمه معصومین را شناختند و به راه راست هدایت شدند، این در حالی است که کسانی که خود را به ناحق جانشین پیامبر معرفی می‌کنند، از پاسخ به این سوال‌ها عاجز بودند.

• عصمت:

امام از هر گونه خطا و اشتباه مبری است. عصمت، ملکه‌ای از علم به حقایق جهان است؛ یعنی کسی که تمام علم را در کف دست دارد و عواقب کار اشتباه را می‌داند؛ با توجه به ایمانی که دارد، مرتکب خطا نمی‌شود.

خداوند در آیه ۱۲۴ سوره بقره می‌فرماید: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»
ظالم کسی است که به خود، به خلق و به خدا ستم می‌کند. کسی که مرتکب به این سه ظلم نشود، معصوم است. طبق این آیه، امامت به ظالمین (غیر معصوم) نمی‌رسد.

• مدیریت اجتماعی:

امام باید بتواند جامعه را از تمام جهات مدیریت و نیازهای مردم را از هر لحاظ برطرف کند. هیچکدام از ائمه به جز امیرالمومنین نتوانسته‌اند ولایت ظاهری داشته باشند.
امام علی در همان مدت کم خلافت، چنان مدیریتی داشتند که تمام کسانی که مرتکب ظلم شده بودند، از عملکرد امام علی به وحشت افتادند.

• آراستگی به کمالات اخلاقی:

امام به عنوان رهبر جامعه، باید از همه‌ی زشتی‌ها دور باشد.
امام رضا می‌فرمایند: «برای امام نشانه‌هایی است، او داناترین، پرهیزکارترین، سخاوتمندترین و در عین حال، عابدترین مردم در میان جامعه است. ... آنان که در امر امامت اختلاف کردند و گمان کردند که امامت امری انتخابی است و نه انتصابی، اشتباه کردند، مگر مردم مقام و منزلت امام در میان امت را می‌دانند تا روا باشد به اختیار و انتخاب ایشان، واگذار شود.»

تدریس استاد همتی

موضوع: شناخت امام زمان

خلاصه و چکیده مطالب ارائه شده در کلاس‌های آموزشی معارف مهدویت

تهیه شده در واحد مهدویت موسسه مضاف، مهدیاران @Mahdian